

بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی‌ها و مشارکت سیاسی - اجتماعی

خانواده‌های نیروهای مسلح^۱

احمد باصری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۱۲/۲۰

صفحات مقاله: ۷۹ - ۱۰۴

چکیده:

تحولات سریع اجتماعی هر روز نیازهای جدیدی را در جامعه ایجاد می‌کند. برنامه‌ریزی مناسب فرهنگی برای پاسخ‌گویی به نیازهای خانواده‌های نیروهای مسلح به‌منظور افزایش دانش و بینش سیاسی - اجتماعی آنان و افزایش سطح مشارکت آنان در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی توسط دفتر امور زنان، نیازمند شناسایی وضع موجود دانش و آگاهی خانواده‌ها و میزان تمایل آنان به مشارکت در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن می‌باشد. هدف این مطالعه، پاسخ‌گویی به نیاز بالا و شناسایی میزان آگاهی‌ها و سطح مشارکت سیاسی - اجتماعی خانواده‌های نظامی و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر افزایش یا کاهش آن بود که در این مقاله به بررسی عوامل انگیزشی مؤثر می‌پردازیم. جامعه آماری این مطالعه کلیه خانواده‌های نظامی در شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه‌برداری تصادفی چندمرحله‌ای به تعداد ۵۱۲ نفر شامل ۲۸۵ نفر همسر و ۲۲۷ نفر از دختران ساکن در شهرک‌های نظامی انتخاب و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزارهای spss و lisrel حول مدل مفهومی طرح مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که میزان تمایل آنان به مشارکت در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی بیشتر از حد متوسط است. همچنین با افزایش انگیزه‌های همبستگی، قدرت و پیشرفت افراد، میزان تمایل به مشارکت سیاسی - اجتماعی آنان افزایش می‌یابد.

* * * * *

کلیدواژگان

مشارکت سیاسی - اجتماعی، آگاهی، انگیزه‌های پیشرفت، قدرت همبستگی، خانواده‌های پاسداران.

۱. این تحقیق با تصویب مرکز مطالعات زنان و خانواده دانشگاه جامع امام حسین(ع) و با پشتیبانی‌های آن مرکز انجام شده است.

Ahmadbas@gmail.com

۲. مربی رشته روانشناسی دانشگاه جامع امام حسین(ع).

آدرس: دانشگاه جامع امام حسین(ع)، دانشکده علوم اجتماعی - فرهنگی. تلفن: ۷۷۱۰۶۵۱۵ / شماره: ۷۷۱۰۶۵۱۶

مقدمه

در خصوص علل و عوامل مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان، دو رهیافت کلی وجود دارد. در رهیافت اول، مشارکت صرفاً وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگری مانند میل به کسب منزلت اجتماعی و اقتصادی، برقراری ارتباطات گسترده محیطی و یا ارضای انگیزه‌های پیشرفت و قدرت وجود دارد، مشارکت سیاسی تنها مسیر دستیابی به آن هدف اساسی می‌باشد. اما در رهیافت دوم به اصالت عمل و اهمیت امور سیاسی - اجتماعی زنان اعتقاد دارند. در این نظریه‌ها مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به‌خودی خود هدف محسوب می‌شود و از طریق آن توانایی‌ها و خلاقیت‌های انسانی زن به عنوان موجود عقلانی در ارتباط با دیگران فعلیت می‌یابد. (رضایی، ۱۳۷۵)

در هر دو رویکرد، تأکید بر آن است که برای افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی، لازم است که زیربناهای ذهنی و فکری به عنوان فلسفه وجودی، ماهیت و ضرورت مشارکت را برای آنان روشن ساخت. تنها در این صورت است که کنش در جهت مشارکت تحقق می‌پذیرد. همچنین لازم است، همزمان به نوسازی شخصیتی زنان در امر مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پرداخت. این دیدگاه را می‌توان در نظریات راجرز به خوبی مشاهده نمود. به نظر راجرز، تغییر چیزی جز اندیشه و نظری نیست که فرد آن را جدید و نو می‌پندارد. وی معتقد است که از لحاظ روانی باید نوعی آمادگی در افراد برای پذیرش تغییرات وجود داشته باشد که آن را تحت عنوان نگرش مطرح می‌کند. راجرز معتقد است که عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجه نظرها در قالب خرده‌فرهنگ سنتی، عناصر اصلی و کلیدی برای فهم رفتار افراد به شمار می‌آیند. به نظر وی عناصر اصلی که مانع نوآوری و پذیرش تغییرات جدید

می‌گردد، عبارتند از: عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به منظور کسب منافع آتی، عدم توجه به اهمیت به عنصر زمان، خانواده‌گرایی، وابستگی به قدرت، فقدان همدلی. (ازکبا، ۱۳۷۷)

در دهه‌های اخیر، بسیاری از صاحب‌نظران، برنامه‌ریزان و متخصصان علوم اجتماعی - سیاسی و مسائل زنان به اتفاق از مشارکت زنان به عنوان یکی از عناصر اصلی توسعه نام برده‌اند و بعضی مشارکت همه‌جانبه آنان را با توسعه یکی دانسته‌اند. به عبارتی، مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی می‌باشد که به نقش فعال و خلاق مردم در روند توسعه توجه دارد. در واقع مشارکت فرایندی است که دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاشتن بر تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (رضایی، ۱۳۷۵). با این وجود، گرچه مشارکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی به‌طور انتزاعی و نظری بسیار مهم و اساسی است، ولی عملی کردن و به اجرا درآوردن آن به سادگی میسر نیست. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع و نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان، خلیقات و روحیات زنان، تجربیات و واقعیات گذشته جامعه و عواملی نظیر آن بر پذیرش یا عدم پذیرش یا فرایند مشارکت زنان در امور مؤثر است.

عوامل فردی و اجتماعی، نظیر نگاه به زن و شناخت توانایی آنها، روابط دولت و مردم و توقعات و انتظاراتی که از زنان در مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وجود دارد، ارتباط تنگاتنگی با میزان آگاهی و مشارکت آنان در امور سیاسی و اجتماعی دارد. عوامل ذهنی بالا به دلیل اینکه به‌شدت تحت تأثیر محیط اجتماعی می‌باشد، به عنوان عوامل و انگیزه‌های روانی - اجتماعی

مشارکت زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که انگیزه‌های روانی - اجتماعی به‌طور مثبت در شخصیت افراد نهادینه شده باشد، مقدمات لازم را برای مشارکت همه‌جانبه آنان در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌کند. هنگامی که از چرایی رفتار سخن به میان می‌آید، بلافاصله واژه «انگیزش» و «انگیزه» به ذهن متبادر می‌شود. انگیزه، نیرویی است که رفتاری را راه می‌اندازد، به آن انرژی می‌دهد و آن را هدایت می‌کند. یا به بیان دقیق‌تر، انگیزه به آن دسته عوامل زیستی، روانی، یا اجتماعی اطلاق می‌گردد که رفتار هدف‌داری را برمی‌انگیزند و یا آغاز، ادامه و به هدف رسیدن آن را موجب می‌شود. بنابراین، تبیین رفتار جز با کنکاش در انگیزه و عوامل انگیزشی میسر نخواهد شد. به همین سبب است که روان‌شناسان از همان آغاز علمی شدن این رشته، کنکاش و تحقیق در زوایا، ابعاد و انواع مختلف این پدیده را وجهه همت خود قرار دادند. هر یک از رویکردهای مختلف این رشته، توانسته است بخشی از وجوه ناشناخته آن را بازشناسند و پیوند و تعامل آن را با عوامل مختلف روانی، زیستی و اجتماعی مکشوف سازند. تحقیقات نشان داده است که انگیزه در یک فرایند چرخشی ظاهر می‌شود.

آنان، چرخه مذکور را به شرح زیر خلاصه می‌کنند:



نمودار ۱- چرخه انگیزه

نمودار بالا نشان می‌دهد که برای پدید آمدن انگیزه، ابتدا باید نیاز یا سائق ایجاد شود؛ در غیر این صورت انگیزه‌ای شکل نخواهد گرفت. پدید آمدن انگیزه، رفتار هدف‌جویی و تحقق آمال را برخواهد انگیزت. هدف‌جویی (رفتار جستجو) نیز سرانجام موجب برآوردن نیاز و تشفی انگیزه می‌شود. لیکن، انگیزه‌ها زائل نمی‌شوند چون با گذشت زمان بار دیگر سائق پدید می‌آید و چرخه انگیزه همواره ادامه خواهد یافت.

برای تبیین نظری انگیزه رویکردها و نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. در یک نگاه کلی، می‌توان این نظریه‌ها را به شرح زیر خلاصه کرد:

- **نظریه انسان‌گرایی؛** مازلو انگیزه‌های آدمی را در یک هرم سلسله مراتبی قرار می‌دهد. او معتقد است که انگیزه‌های فیزیولوژیکی و حیاتی در پایین‌ترین سطح، و نیازهای فرامادی (خودشکوفایی) در بالاترین سطح قرار می‌گیرند.

- **نظریه رفتارگرایی و رفتارگرایی شناختی؛** رفتارگرایان مفاهیم انگیزه و انگیزش را مفاهیمی ذهنی تلقی می‌نمودند؛ به همین سبب از پرداختن به آن اکراه داشتند. لیکن، پدید آمدن نظریات جدید رفتارگرایی (به‌ویژه رفتارگرایی شناختی) موجب شد که تا بار دیگر این مفاهیم مورد توجه و کنکاش قرار گیرند. مثلاً «کلارک هال» معتقد است که بدون وجود عامل انگیزشی (K) رفتاری از موجود زنده سر نمی‌زند.

- **نظریه انتظار؛** این نظریه، که گاهی نظریه «انتظار» - «ارزش» نیز نامیده می‌شود، معتقد است که انتظار شخص از دست یافتن به هدفی که برای او ارزشمند است «انگیزه رفتار» است.

همچنان که ملاحظه می‌گردد، مجموع چند سائق یا نیاز، موجب شکل‌گیری یک انگیزه مشخص می‌شود. آن انگیزه نیز با عناصری از انگیزه‌های دیگر ترکیب می‌گردد و آدمی را به سوی هدف سوق می‌دهد. اما لازمه بروز رفتار، شکل‌گیری «مقاصد رفتاری» است؛ یعنی، پس از آنکه انگیزه، یا انگیزه‌ها، آدمی را تحریک نمودند، ساختار شناختی او اطلاعات وارده را پردازش می‌نماید و روش‌های تحقق هدف را، برحسب دسترسی به آنها، مشخص می‌سازد. ممکن است در این فرایند، برخی عوامل موجب کاهش یا افزایش شدت «رفتار هدف‌جویانه» شوند، این عوامل، نوعی انگیزش منفی یا مثبت فراهم می‌سازند، یعنی شخص را وادار می‌سازند تا از هدف خاصی دوری جسته یا بدان نزدیک شود. بر این اساس، مجموعه‌ای از انگیزه‌های غالب که می‌تواند بر رفتار سیاسی و اجتماعی افراد مؤثر باشد در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از نظریه‌های غالب در روانشناسی اجتماعی انگیزه پیشرفت می‌باشد، این نظریه، حاصل کار تنی چند از نظریه‌پردازان و پژوهش‌گرانی است که از دو دهه پیش به رهبری «دیوید مک کللند» فعالیت خویش را آغاز کرده‌اند. «انگیزه پیشرفت» عبارتست از نیروی انجام دادن خوب کارها نسبت به استانداردهای عالی (فرانکن، ۱۹۸۸). مک کللند و آتکنسون نیز، نیاز پیشرفت را این‌گونه تعریف می‌کنند: موفقیت در رقابت با استانداردهای عالی. (ریو، ۱۳۷۶)

شخص با انگیزه پیشرفت نیرومند، می‌خواهد در برخی از تکالیف چالش‌انگیز مربوط به خود یا دیگران موفق شود؛ وی می‌داند عملکردش به ارزیابی مطلوب یا نامطلوب منجر، و واکنشی هیجانی به شکل غرور برای موفقیت یا شرمساری به خاطر شکست را تولید خواهد نمود. (عظیمی، ۱۳۵۰؛ و سمرت، ۱۹۹۱)

از آنجا که یک انگیزه طبقات خاصی از رفتار را در حالت آمادگی قرار می‌دهد، انگیزه‌های پیشرفت فرد را برای امور سه‌گانه زیر آماده می‌کند:

(۱) تکالیف به نسبت چالش‌انگیز را انجام دهد؛ (۲) در تکالیف به نسبت دشوار پایداری کند؛ و (۳) موفقیت شغلی را دنبال کند. (مک‌کلند، ۱۹۸۵)

انگیزه پیشرفت دربرگیرنده الگویی از تدبیراندیشی، اعمال و احساس‌هایی است که با تلاش برای دستیابی به نوعی برتری مرتبط می‌باشد. انگیزه پیشرفت لزوماً چیزی همانند تلاش برای موفقیت‌های قابل مشاهده نیست؛ به عبارت دیگر، گرچه انگیزه پیشرفت دربرگیرنده طراحی و تلاش برای برتری است؛ اما آنچه که بیشتر حائز اهمیت است نگرش نسبت به پیشرفت می‌باشد نه موفقیت به‌خودی‌خود. (بال، ۱۳۷۳)

انگیزه پیوندجویی، که با عناوینی چون «همبستگی» و «همدردی» نیز نامیده شده؛ عبارتست از: ایجاد، حفظ یا برقراری مجدد یک رابطه عاطفی مثبت با شخص یا اشخاص دیگر (آکنسون، هینز و ودف، ۱۹۴۵). این انگیزه، در انسان رفتاری را برمی‌انگیزد که به افزایش روابط میان فردی منجر می‌شود. افراد با نیاز پیوندجویی زیاد، بیشتر از افراد با نیاز پیوندجویی کم برای آغاز دوستی‌های جدید به گروه‌های اجتماعی می‌پیوندند و بیشتر وقت خود را صرف تعامل با دیگران می‌کنند. شرایطی چون ترس و اضطراب، رفتار پیوندجویی را برانگیخته و تمایل فرد به پیوندجویی با دیگران را افزایش می‌دهد.

برخی از روان‌شناسان مانند «کراپتکین»، «سوتی» و «مونتگو» مصرند که انگیزه مسلط انسانها، علاقه‌مندی یا اتکای متقابل به یکدیگر است که پایه اصلی بقای انسان محسوب می‌شود. ولی برخی دیگر از نظریه‌پردازان، باور ندارند که

همدردی یا پیوندجویی با اجتماع، بر طبیعت فرد مسلط است بلکه انگیزه پیوندجویی را در میان انگیزه‌های اجتماعی انسان برخوردار از جایگاه برجسته‌ای دانسته و برخی از کردارهای اجتماعی انسان را ناشی از آن می‌داند. (مسد، ۱۳۷۲)

اندیشمندان و روان‌شناسان زیادی به بررسی انگیزه پیوندجویی پرداخته‌اند، از جمله می‌توان به «آدام اسمیت»، «هربرت اسپنسر»، «گیدینگز»، «مک دوگال»، «تئودو ریبو»، «ماکس شلر»، «والتر بجت»، «تارد» و «آتکنسون» اشاره کرد. تأمل در نظریات این اندیشمندان، زوایای دیگری از انگیزه پیوندجویی را نمایان می‌سازد.

آدام اسمیت ضمن توجه به لذت‌گرایی و آزادی و تأکید بر هم‌دردی انسانها نظریه عواطف اخلاقی خود را چنین بیان می‌کند: در طبیعت بشر، اصولی نهفته است که وی را به خوشبختی دیگران علاقه‌مند می‌کند و موجب می‌شود از خوشنودی ضروری خود چشم‌پوشد (آلبورت و جونز، ۱۳۷۱، ۴۵). اسمیت به‌طور کلی دو نوع هم‌دردی را می‌شناسد، نخست: نوع واکنش سریع (بازتابی)، دوم: نوع عقلانی؛ وی عدالت‌خواهی بشر را ناشی از عمل هم‌دردی می‌داند. (فرجی، ۱۳۷۲)

هربرت اسپنسر نیز عصاره نظرات خود را در قالب هم‌دردی فوری (آنی - بازتابی) و هم‌دردی سنجیده (آگاهانه - با تعمق) بیان می‌کند. وی نیز همانند اسمیت، لذت‌گرایی و اعطای آزادی را مورد حمایت قرار داده تا بتواند کشش‌های نوع‌دوستانه را توضیح دهد. به باور وی، جمع‌گرایی ریشه در غریزه جنسی داشته که موجب تشکیل خانواده می‌شود و اصل حاکم در چارچوب خانواده، هم‌دردی است.

«پیتر کراپتکین» نیز کمک‌های متقابل افراد به یکدیگر را نه به واسطه علاقه

آنان به فرد خاص، بلکه ناشی از غریزه کلی همبستگی بشری می‌داند. وی اظهار می‌دارد: آنچه در تکامل بشر واقعیت اصلی به حساب می‌آید، دگرگونی همدلی است (آپورت و جونز، ۱۳۷۱)

گیدینگر، معتقد است بشر دارای نوعی آگاهی بنیادی از همنوع است که از هم‌دردی ذاتی، درک شباهت، هم‌دردی آگاهانه یا با تعمق، عاطفه و علاقه‌مندی به شناخت تشکیل شده است.

مک دوگال نیز از غریزه جمع‌گرایی سخن می‌گوید؛ اما تمام رفتارهای اجتماعی انسان را ناشی از این منبع واحد نمی‌داند؛ به اعتقاد وی غریزه پدر و مادری، غریزه وابستگی و سایر غریزه‌ها نیز در کردارهای اجتماعی انسان نقش دارند. «نظریه استنتاج استقرایی عاطفه» او بر پایه همدردی استوار است؛ وی معتقد است که نباید همدردی را غریزی تلقی کرد، بلکه باید آن را ناشی از سازگاری به‌خصوصی که در جنبه پذیرنده هر یک از گرایش‌های اصلی غریزی پدید می‌آید، دانست. به نظر وی این سازگاری، هر غریزه‌ای را قادر می‌سازد که با درک جلوه‌های جسمانی ابراز همان غریزه در دیگران، خود نیز واکنش نشان دهد. (آپورت و جونز، ۱۳۷۱)

«تئودور ریبو» اهمیت فراوانی به همدردی می‌دهد و آن را اساس تمامی وجود اجتماعی می‌داند؛ وی دو شکل همدردی موردنظر اکثر صاحب‌نظران را رد می‌کند و انواع هم‌دردی موردنظر خود را چنین معرفی می‌نماید: هم‌دردی نوع نخست، هم‌دردی اولیه یا خود به خودی؛ نوع دوم، هم‌دردی آگاهانه و متفکرانه؛ و نوع سوم، احساسی سنجیده از وفاداری، تحمل و انسان‌دوستی. سه درجه هم‌دردی «ریبو»، اگر با نظرات اسپنسر یکی نباشد، شباهت بسیاری با آن دارد. رویکرد ریبو به انگیزه، پدیدارشناختی می‌باشد.

«ماکس شلر» نیز از حامیان رویکرد پدیدارشناختی بوده و با این نگرش به وجود و اشکال هم‌دردی به‌طور عمیق پرداخته است. وی هشت نوع سوگیری یا میل به هم‌دردی در انسان را تشخیص و ارائه می‌دهد: بر اساس تقسیم‌بندی شلر، سه نوع اول هم‌دردی (شامل: توجه به احساس دیگران، مشارکت در احساس و سرایت احساس)، دارای درجه اهمیت پایینی بوده و «شبه‌هم‌دردی» محسوب می‌شوند؛ زیرا در این نوع از هم‌دردی‌ها، تمرکز بر احساس خود فرد معطوف است نه بر احساس با دیگران بودن یا برای دیگران بودن؛ پنج نوع بعدی (شامل: هم‌احساسی، درک احساس دیگران، یک احساسی، عشق به ممنوع و احساس حاصل از اعتقاد به وحدت وجود و عشق به پروردگار) از سطح اهمیت بالایی برخوردار بوده و به «همدلی و احساسات سنجیده و آگاهانه» افراد معطوف می‌باشند. در سطوح بالای هم‌دردی، توجه به احساس غیرخود و قرار گرفتن در وضعیت احساس دیگران، کاملاً مشهود است؛ به‌طوری که احساس حاصل از اعتقاد به خدا، هم‌دردی غیردنیوی است که مشخص‌کننده نگرش مذهبی افراد نسبت به دیگران و اعتقاد به نشأت گرفتن تمام امور از وجود خداوند می‌باشد. (آلبورت و جونز، ۱۳۷۱).

«گابریل تارد» جامعه‌شناس فرانسوی نیز با دید وسیع‌تری به بررسی «تقلید» پرداخته و آن را کلید رمز اجتماع معرفی می‌نماید. وی با علاقه زیاد اظهار می‌نماید: «اجتماع یعنی تقلید» (تارد، ۱۹۳۰، ۷۴). در نظریات تارد پیرامون تقلید سه قانون مشهور؛ یعنی: (فرو، تصاعد هندسی و خودی قبل از بیگانه) جایگاه ویژه‌ای دارند. وی بر اساس این قوانین، چگونگی تقلید طبقات پایین اجتماع از طبقات بالا، توجه به نشر سریع مدل‌ها و الگوها و اقبال به فرهنگ خودی بیش از فرهنگ بیگانه را توضیح می‌دهد و همبستگی درونی اجتماع را ناشی از میل افراد به تقلید می‌داند. (آلبورت و جونز، ۱۳۷۱)

«آتکنیسون» نیز نیاز پیوندجویی افراد را ناشی از نیاز به پذیرش و امنیت اجتماعی در روابط میان فردی دانسته و به بعد منفی نیاز به پیوندجویی بیشتر، اشاره می‌نماید. بر اساس نظریات وی و همکارانش، علت تلاش عمده افراد در تعامل با اجتماع به واسطه ترس از عدم تأیید از طرف دیگران می‌باشد. (ریو، ۱۳۷۶)

انگیزه قدرت عبارتست از: تمایل به تطبیق دادن دنیای مادی و اجتماعی فرد با تصور یا برنامه‌ای که برای آن دارد (ریو، ۱۳۷۱). «ویتتر» انگیزه قدرت را، نیاز به داشتن تأثیر، کنترل یا نفوذ بر شخص دیگر، گروه یا مردم در کل معرفی نموده است. به تعبیر وی: تأثیر، به شخص امکان آغاز نمودن و تثبیت قدرت را می‌دهد؛ کنترل، امکان حفظ قدرت را به شخص می‌بخشد؛ نفوذ، امکان گسترش یا بازگرداندن قدرت را به شخص می‌دهد. (ریو، ۱۳۷۶، ۲۷۲)

انگیزه قدرت به صورت تسلط، شهرت، مقام و شغل و فعالیت‌های اجتماعی نمود یافته و رفتارهایی؛ چون رهبری، پرخاشگری و دستیابی به مشاغل با نفوذ را در انسان برمی‌انگیزد. اگر به افراد با نیاز قدرت، امکان ابراز برانگیختگی به شیوه‌ای که پاداش‌های اجتماعی را تولید کند، داده شود، لذت عاطفی را تجربه خواهند کرد؛ اما اگر برانگیختگی افراد با نیاز قدرت، سد شده باشد، برانگیختگی تقویت نشده، احتمال بروز بیماری جسمانی در آنها زیاد می‌کند. (مک کلند، ۱۹۸۲)

ویتتر نشان داد که افراد با نیاز قدرت زیاد به دنبال کسب شهرت در گروه‌ها بوده و ظاهراً در تلاش برای دستیابی به قدرت یا نفوذ، مایل به یافتن راهی برای نشان دادن خود به دیگران می‌باشند.

«فودور» و «اسمیت»، کیفیت کارکرد گروهی را در گروه‌هایی که توسط اشخاص با نیاز قدرت کم و زیاد، رهبری می‌شوند مقایسه و نتیجه‌گیری کردند؛ گروه‌هایی

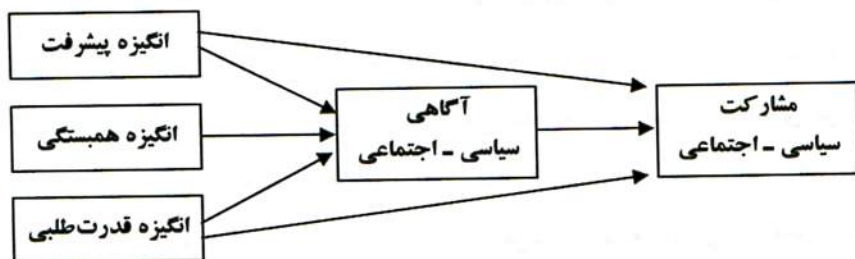
که رهبران با نیاز قدرت زیاد داشتند، ضعیف‌ترین تصمیم‌گیری را در رابطه با کیفیت کالا داشته‌اند، چون رهبران آنها همه را وادار به دنبال کردن برنامه‌های شخص خود، بدون در نظر گرفتن ضرر و زیان گروه نموده‌اند (فرانکن، ۱۹۸۸)

تبیین کلی نگرش‌ها و انگیزه‌های فردی و سیاسی اجتماعی افراد، نشان می‌دهد که رفتارهای انسانی ناشی از نیازها، خواسته‌ها و تمایلات درونی و بیرونی می‌باشد. عوامل روان‌شناختی فردی مانند نیاز پیشرفت، نیاز به برقراری ارتباط با دیگران، نیاز به خودشکوفایی توانمندی‌های ذاتی، می‌تواند زمینه رفتارهای اجتماعی و سیاسی فرد را فراهم نماید. وجود انگیزه‌های درونی به تنهایی نمی‌تواند منجر به رفتار گردد. لازم است برای شکل‌گیری یک رفتار یا کنش، زمینه‌های اجتماعی آن نیز فراهم گردد. افزایش فعالیت‌های اجتماعی مانند دارا بودن شغل و موقعیت اداری، برقراری رابطه سیستماتیک و منظم با نهادهای اجتماعی و برخورداری از موقعیت‌های مادی و اجتماعی، می‌تواند زمینه بروز و گسترش رفتارهای اجتماعی و سیاسی افراد را فراهم نماید. قرار گرفتن فردی که دارای انگیزه‌های درونی بالایی برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشد همراه با موقعیت مناسب اجتماعی، می‌تواند زمینه افزایش مشارکت سیاسی - اجتماعی فرد را فراهم نماید. قالب‌بندی مباحث و موقعیت‌های اجتماعی، در چارچوب فرهنگ در جامعه تعریف می‌گردد. فرهنگ‌های سیاسی - اجتماعی حاکم بر جوامع، به دلیل تفاوت‌های ماهوی که دارند به صورت متفاوت بر رفتارهای سیاسی - اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. برخی فرهنگ‌ها مشارکت‌آفرین و زمینه افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی همه اقشار اجتماعی را فراهم می‌نمایند. در حالی که برخی فرهنگ‌ها نه تنها مشارکت‌آفرین نیستند بلکه به دلیل ارزش‌ها و باورهای

خاص آن، مانع مشارکت سیاسی - اجتماعی برخی گروه‌های اجتماعی، به‌ویژه زنان می‌گردد. این عوامل تأثیری یکنواخت بر کلیه افراد جامعه می‌گذارند. وجود تفاوت‌های فردی در زمینه انگیزه‌ها، نشان می‌دهد که علی‌رغم تأثیرگذاری فرهنگ عمومی بر آحاد افراد یک جامعه، برخی افراد دارای مشارکت سیاسی اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران می‌باشند، برخی از افراد نه تنها مشارکتی در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی ندارند بلکه با چنین مسایلی احساس بیگانگی نموده و سعی دارند به هر طریق ممکن، خود را از در معرض قرار دادن چنین مطالب و مباحثی دور نمایند.

از سوی دیگر، مشارکت سازنده در هر فعالیتی منوط به میزان آگاهی و تخصص فرد در آن زمینه می‌باشد. افرادی که از دانش و آگاهی بیشتری برخوردار می‌باشند، می‌توانند با مشارکت سازنده در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی نقش مهم و تأثیرگذاری را بر گروه‌های اجتماعی داشته باشند. در حالی که اگر فرد در زمینه مورد نظر از دانش و تخصص و قدرت تجزیه و تحلیل مباحث برخوردار نباشد، نمی‌تواند مشارکت فعالی در زمینه‌های موردنظر داشته باشد. چنین افرادی یا از خیر مشارکت در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی می‌گذرند و یا در صورتی که دارای زمینه‌های فردی و اجتماعی مناسبی برای فعالیت در موقعیت‌های سیاسی - اجتماعی جامعه باشند؛ معمولاً به عنوان افرادی پیرو در فعالیت‌های موردنظر مشارکت خواهند نمود.

با توجه به مطالب بالا، چارچوب نظری این مطالعه به شکل زیر طراحی و مورد مطالعه قرار می‌گیرد.



چارچوب نظری عوامل تأثیرگذار بر آگاهی و مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان

روش بررسی

این مطالعه با توجه به اهداف آن، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. بنابراین تلاش می‌کند با بررسی متغیرهای اساسی تحقیق در زمینه انگیزه‌ها، آگاهی‌ها و مشارکت سیاسی - اجتماعی خانواده‌های نظامی و عوامل تأثیرگذار بر آن، زمینه برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی برای ایشان اعم از همسران و دختران را فراهم نماید. از نظر روش‌شناختی، این مطالعه در زمره تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) می‌باشد. در گروه تحقیقات توصیفی، متناسب با نوع متغیرها و نحوه تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر روش‌های مختلفی مطرح شده است. این مطالعه با توجه به سؤالات اساسی که باید مورد بررسی قرار گیرد، در گروه تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی طبقه‌بندی می‌گردد.

جامعه آماری این مطالعه مجموع خانواده‌های نظامی ساکن تهران اعم از همسران و دختران که دارای تحصیلات حداقل پایان دوره راهنمایی هستند، می‌باشد. برای انتخاب نمونه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده گردید و متناسب با حجم جامعه آماری تحقیق به تفکیک دختران و

همسران نظامی مشخص گردید و از بین خانواده‌های ساکن در شهرک‌های نظامی و منازل سازمانی به صورت تصادفی ۵۱۲ نفر شامل ۲۸۵ نفر همسر و ۲۲۷ نفر دختر انتخاب گردیدند.

ابزارها: برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، از پرسشنامه محقق ساخته در قالب مقیاس لیکرت و سؤالات چندگزینه‌ای و برای سنجش کامل‌تر مشارکت سیاسی - اجتماعی از مقیاس سنجش نگرشی ترستون نیز استفاده گردید. در این مقیاس، از پاسخ‌دهنده خواسته می‌شود، تا تمام مواردی را که با آنها موافق است علامت بزند. بر این اساس، ابتدا پرسشنامه اولیه شامل سه قسمت ویژگی‌های فردی (شامل مشخصات فردی: وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلی و اقتصادی - اجتماعی و انگیزه‌ها) و میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی تهیه گردید. پرسشنامه اولیه، ابتدا از نظر محتوایی مورد بررسی کارشناسی قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات لازم و تأیید روایی محتوایی و صوری آن، توسط متخصصین جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در نمونه معادل ۷۰ نفر از همسران و دختران ساکن در شهرک‌های نظامی اجرا گردید.

روایی پرسشنامه

نتایج اجرای مقدماتی پرسشنامه‌ها، نشان داد که با حذف چند سؤال و اصلاح برخی از سؤالات، پرسشنامه از روایی لازم برخوردار می‌باشد. برای سنجش میزان روایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج آزمون آلفای کرونباخ، نشان می‌دهد که ضریب روایی یا هماهنگی درونی سؤالات مربوط به هر یک از مقوله‌های مورد مطالعه برابر است با:

جدول ۱- ضرایب روایی قسمت‌های مختلف پرسشنامه

ضریب روایی	تعداد سؤال	شاخص‌های مورد مطالعه
۰/۸۲	۲۳	مشارکت سیاسی - اجتماعی
۰/۶۱	۱۵	آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی
۰/۷۲	۳۲	انگیزه‌ها

می‌توان مقیاس‌های بالا را در سنجش میزان مشارکت و آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی و انگیزه‌های خانواده‌های پاسداران دارای روایی مناسبی ارزیابی نموده و نشان داد که نتایج آن از دقت مطلوبی برخوردار می‌باشد.

روش تحلیل داده‌ها: مدل مورد استفاده در برابر تجزیه و تحلیل نتایج مدل معادلات ساختاری یا مدل لیزرل می‌باشد. برای استفاده از این مدل، ابتدا داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss مورد بررسی اولیه قرار گرفت. در این مرحله، با کدگذاری داده‌ها، حذف داده‌های دورافتاده، محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ، آزمون نرمال بودن داده‌ها انجام گرفت و برای سهولت کار به عنوان یک کار درسی، سؤالات هر یک از متغیرهای پنهان مشارکت و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و انگیزه‌ها از طریق آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، مورد بررسی قرار گرفت و سؤالاتی که دارای بار عاملی بودند برای هر متغیر انتخاب گردیدند. در این مرحله، تعداد پنج‌گویه یا متغیر مشاهده شده برای متغیر نهفته بیرونی مشارکت سیاسی و اجتماعی، چهارگویه برای متغیر میانی آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و برای هر یک از متغیرهای مستقل نهفته درونی انگیزه‌های سه‌گانه نیز به تفکیک چهارگویه و در مجموع تعداد ۲۱ گویه به عنوان متغیرهای آشکار مدل انتخاب گردید. برای کاربرد نرم‌افزار lisrel در تجزیه و تحلیل مدل، ابتدا متغیرهای مشاهده شده در نرم‌افزار

spss مورد بررسی قرار گرفت و ماتریس پلای سریال^۱ همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده، محاسبه گردید و به عنوان داده‌های ورودی مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از ارزیابی مدل مفهومی مورد استفاده در سه قسمت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

الف - یافته‌های مدل اندازه‌گیری

در بررسی مدل اندازه‌گیری، ۲۱ فرضیه مورد بررسی قرار گرفت:

خلاصه نتایج ارائه شده مدل معادلات ساختاری در جدول زیر ارائه می‌گردد:

جدول ۲- یافته‌های مدل اندازه‌گیری

نتیجه آزمون	کمیت T	برآوردهای استاندارد	فرضیه
		۰/۹۲	شاخص m1 مفهوم انگیزه همبستگی را می‌سنجد.
تأیید	۱۸/۹۵	۰/۸۹	شاخص m2 مفهوم انگیزه همبستگی را می‌سنجد.
تأیید	۱۲/۰۳	۰/۶۶	شاخص m3 مفهوم انگیزه همبستگی را می‌سنجد.
تأیید	۹/۴۳	۰/۵۵	شاخص m4 مفهوم انگیزه همبستگی را می‌سنجد.
		۱/۰۰	شاخص m5 مفهوم انگیزه پیشرفت را می‌سنجد.
تأیید	۱۵/۵۴	۰/۹۳	شاخص m6 مفهوم انگیزه پیشرفت را می‌سنجد.
تأیید	۱۵/۸۰	۰/۷۹	شاخص m7 مفهوم انگیزه پیشرفت را می‌سنجد.
تأیید	۱۲/۳۰	۰/۶۷	شاخص m8 مفهوم انگیزه پیشرفت را می‌سنجد.
		۰/۷۱	شاخص m9 مفهوم انگیزه قدرت را می‌سنجد.
تأیید	۱۲/۹۶	۰/۷۸	شاخص m10 مفهوم انگیزه قدرت را می‌سنجد.

تأیید	۸/۵۳	۰/۷۴	شاخص m11 مفهوم انگیزه قدرت را می‌سنجد.
تأیید	۶/۸۸	۰/۵۳	شاخص m12 مفهوم انگیزه قدرت را می‌سنجد.
		۰/۸۹	شاخص n1 مفهوم آگاهیهای سیاسی و اجتماعی را می‌سنجد.
تأیید	۵۰/۵۷	۰/۹۲	شاخص n2 مفهوم آگاهیهای سیاسی و اجتماعی را می‌سنجد.
تأیید	۱۵/۸۹	۰/۷۹	شاخص n3 مفهوم آگاهیهای سیاسی و اجتماعی را می‌سنجد.
تأیید	۱۶/۸۳	۰/۸۲	شاخص n4 مفهوم آگاهیهای سیاسی و اجتماعی را می‌سنجد.
		۰/۷۴	شاخص p1 مفهوم مشارکت سیاسی و اجتماعی را می‌سنجد.
تأیید	۹/۵۲	۰/۸۴	شاخص p2 مفهوم مشارکت سیاسی و اجتماعی را می‌سنجد.
تأیید	۹/۰۸	۰/۶۹	شاخص p3 مفهوم مشارکت سیاسی و اجتماعی را می‌سنجد.
تأیید	۹/۰۶	۰/۷۷	شاخص p4 مفهوم مشارکت سیاسی و اجتماعی را می‌سنجد.
تأیید	۵/۷۳	۰/۴۴	شاخص p5 مفهوم مشارکت سیاسی و اجتماعی را می‌سنجد.

نتایج ارائه شده در جدول بالا، نشان می‌دهد که از مجموع فرضیه‌های مدل اندازه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است. لازم به یادآوری است که برای برازش مناسب‌تر مدل، سه رابطه دیگر در همین قالب تعریف گردیده است، شامل ارتباط بین شاخص P5 با آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی و شاخص M8 برای برآورد انگیزه همبستگی و شاخص M6 برای برآورد متغیر انگیزه قدرت. از آنجا که از نظر محتوایی و صوری، این شاخص‌ها را می‌توانستیم برای اندازه‌گیری هر دو متغیر مورد استفاده قرار دهیم؛ بر اساس توصیه مدل لیزرل، این کار انجام گرفت و برازش مدل را مطلوب‌تر نموده است.

ب - یافته‌های مدل معادلات ساختاری

در بررسی مدل معادلات ساختاری، شش فرضیه مورد بررسی قرار گرفت:

۱- انگیزه پیشرفت بر مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثر است.

۲- انگیزه قدرت بر مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثر است.

- ۳- انگیزه همبستگی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
 ۴- انگیزه پیشرفت بر آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
 ۵- انگیزه قدرت بر آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
 ۶- انگیزه همبستگی بر آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
 ۷- آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
 خلاصه نتایج ارائه شده مدل معادلات ساختاری در جدول زیر ارائه می‌گردد.

جدول ۳- یافته‌های مدل معادلات ساختاری

نتیجه آزمون	کمیت T	برآوردهای استاندارد	فرضیه
تأیید	۵/۸۸	۰/۳۷	انگیزه پیشرفت بر مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
رد	—	—	انگیزه قدرت بر مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
تأیید	۵/۶۷	۰/۳۲	انگیزه همبستگی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
تأیید	۵/۸۰	۰/۳۹	انگیزه پیشرفت بر آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
تأیید	۲/۰۴	۰/۱۶	انگیزه قدرت بر آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
تأیید	۳/۴۳	۰/۲۲	انگیزه همبستگی بر آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر است.
تأیید	۴/۲۶	۰/۲۸	آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثر است.

نتایج ارائه شده در جدول بالا، نشان می‌دهد که از مجموع هفت فرضیه مدل معادلات ساختاری شش فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده و یک فرضیه تأثیر انگیزه قدرت بر مشارکت سیاسی و اجتماعی تأیید نمی‌گردد.

ج - اعتبار کلی مدل

اعتبار کلی مدل مفهومی، به‌طور سیستمی با استفاده از معیارهای چندگانه

نیکویی برازش آزمون شده است. برای نیکویی برازش کلی مدل، معیارهای مختلفی محاسبه شده است.

شاخص نسبت مجذور کای^۱ به درجه آزادی که هر چه کوچکتر باشد مناسبتر است و معمولاً ترجیح می‌دهیم این نسبت کمتر از ۴ باشد، شاخص RMSEA^۲ را ترجیح می‌دهیم عدد کوچکتر از ۰/۰۵ باشد، شاخص‌های برازش مقایسه‌ای NFI^۳، CFI^۴، GFI^۵، AGFI^۶ و RMR^۷ بین صفر تا یک متغیر هستند. این معیارها هرچه به یک نزدیکتر باشند، نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده بیشتر است.

جدول ۴- خلاصه یافته‌های نیکویی برازش مدل

کمیت	شاخص‌های برازش
۲/۰۹	نسبت مجذور کای بر درجه آزادی
۰/۰۶۷	شاخص RMSEA
۰/۹۴	NFI
۰/۹۷	شاخص برازش مقایسه ای CFI
۰/۰۵۷	نمره استاندارد RMR
۰/۸۸	شاخص نیکویی برازش GFI
۰/۸۴	شاخص نیکویی برازش تنظیم شده AGFI

1. Normal Theory Weighted Least Squares Chi-Square.
2. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA).
3. Normed Fit Index (NFI).
4. Comparative Fit Index (CFI).
5. Goodness of Fit Index (GFI)
6. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
7. Standardized RMR.

نتایج آزمون معیارهای برازش مدل کلی در جدول بالا نشان می‌دهد که مدل مورد مطالعه در حد به نسبت مناسبی با داده‌های جمع‌آوری شده از گروه نمونه مناسب می‌باشد. آزمون مجذور کای مدل، برابر است با $341/56$ با درجه آزادی 163 ، اگر چه مقدار مجذور کای عدد بزرگ بوده و بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده مدل معنادار نیست، از آنجا که این آزمون به شدت تحت تأثیر درجه آزادی و یا حجم گروه نمونه قرار دارد، توصیه می‌گردد به جای توجه به مقدار آزمون، نسبت آن با درجه آزادی مورد بررسی قرار گیرد، این نسبت در مدل مورد مطالعه $2/09$ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل با جامعه آماری، تطابق به نسبت خوبی دارد. همچنین شاخص RMSEA نیز عدد کوچک و نزدیک به $0/05$ می‌باشد، همچنین شاخص‌های CFI و GFI و AGFI را که ترجیح می‌دهیم به یک نزدیک باشند، تقریباً به یک نزدیک هستند و شاخص NFI را که ترجیح می‌دهیم بیشتر از $0/90$ باشد در برازش این مدل معادل $0/94$ است که نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل می‌باشد. بنابراین می‌توان برازش داده‌های جمع‌آوری شده را با مدل مفهومی در حد مناسب ارزیابی نمود.

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بحث و نتیجه‌گیری

ارزیابی آگاهی‌ها و مشارکت سیاسی - اجتماعی افراد برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی از اهمیت و اولویت بالایی برخوردار می‌باشد. انجام این مطالعه گامی اولیه در این مسیر را برداشته و از آنجا که این شاخص‌ها تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی متعددی قرار داشته و تحولات اجتماعی مختلف نظیر انتخابات، تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای می‌تواند منجر به تغییر سطح و عمق متغیرهای فوق در جامعه هدف گردد. این مطالعه با تعریف عملیاتی و ایجاد یک

روش اجرایی، توانسته است وضعیت متغیرهای بالا را در جامعه هدف فراهم نماید و با شفاف‌سازی متغیرها در شرایط حاضر و عوامل انگیزشی مؤثر بر آن، گامی اساسی در این مسیر را بردارد.

نتایج نشان می‌دهد که میزان آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی خانواده‌های مطکب در حد کمتر از متوسط می‌باشد، در حالی که میزان تمایل آنان برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی بیش از حد متوسط می‌باشد. مقایسه این میزان با نتایج مطالعات خارجی؛ نظیر مطالعه پری و مویزر (۱۹۹۰) در لندن که نشان می‌دهد تنها ۲۳/۲ درصد افراد جز فعالان مسائل سیاسی - اجتماعی جامعه می‌باشند، حاکی از تمایل بالای خانواده‌های نظامیان برای مشارکت در فعالیت‌های فوق می‌باشند.

بارگروه‌های متغیرهای مشاهده شده M1 تا M4 و M8 روی متغیر نهفته انگیزه همبستگی نشان می‌دهد که بر اساس ملاک پایه M1 متغیر M2 بیشترین تأثیر و متغیر M4 و M8 کمترین تأثیر را دارند. به همین ترتیب، بارگروه‌های متغیرهای مشاهده شده M5 تا M8 برای متغیر نهفته انگیزه پیشرفت، نشان می‌دهد که بیشترین بار مربوط به متغیر M5 و کمترین بار مربوط به متغیر M8 می‌باشد. در خصوص متغیر نهفته انگیزه قدرت نیز بیشترین سهم مربوط به متغیر مشاهده شده M10 و کمترین سهم مربوط به متغیر M12 و سپس M6 می‌باشد که این متغیر ارتباط منفی با انگیزه قدرت دارد.

همچنین بارگروه‌های متغیرهای مشاهده شده P1 تا P5 روی متغیر نهفته وابسته مشارکت سیاسی - اجتماعی نشان می‌دهد که بیشترین سهم مربوط به متغیر P2 و کمترین سهم مربوط به متغیر P5 می‌باشد و در نهایت این که بار

گویه‌های متغیرهای مشاهده شده P5 تا N4 روی متغیر نهفته وابسته آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی، نشان می‌دهد که بیشترین سهم مربوط به متغیر N1 و کمترین سهم مربوط به متغیر P5 می‌باشد.

ضریب مسیر^۱ مربوط به تأثیر متغیر نهفته میانی یا اتا یک (آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی) بر متغیر وابسته (اتا دو) یا مشارکت سیاسی - اجتماعی معادل ۰/۲۵ می‌باشد. همچنین ضرایب مسیر متغیرهای نهفته مستقل انگیزه‌های درونی (اکسای‌ها) بر متغیرهای نهفته وابسته نهفته در قالب ضرایب گاما نشان می‌دهد که بیشترین ارتباط بین متغیر انگیزه پیشرفت با آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی معادل ۰/۴۴ و کمترین ارتباط بین انگیزه قدرت با آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی معادل ۰/۲۲ می‌باشد.

شاخص‌های Squared Multiple Correlations for Y - Variables نشان می‌دهد که متغیرهای مشاهده شده به صورت کلی و به صورت مجزا برای اندازه‌گیری متغیر نهفته، تا چه حد مناسب می‌باشند. این ضرایب برای متغیرهای اتا از ۰/۳۵ برای متغیر p5 تا ۰/۸۵ برای متغیر n2 پراکنده می‌باشد که نشان‌دهنده اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری می‌باشد.

نتایج این پژوهش، هم‌گام با مطالعات پیشین داخلی (محسنی تبریزی و حسنی) و مطالعات خارجی (پری و مویزر، ۱۹۹۰؛ میلیرات و گوتل، ۱۹۹۷؛ و کیدنز، ۱۹۷۱) نشان می‌دهد که بین میزان آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی و مشارکت سیاسی - اجتماعی افراد، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کسانی که آگاهی‌های بالاتری دارند، در مسائل سیاسی - اجتماعی مشارکت می‌کنند. اگر مشارکت افراد را به دو دسته

مشارکت فعال و سازنده و مشارکت پیرو و تابع تقسیم کنیم، معمولاً مشارکت‌های از نوع اول، آگاهانه می‌باشد. این افراد با شناخت مسائل سیاسی و اجتماعی و تحلیل صحیح از آن، اقدام به فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی تأثیرگذار می‌نمایند. آنها موقعیت‌های حساس و سرنوشت‌ساز سیاسی - اجتماعی داخلی و بین‌المللی را تشخیص داده و به موقع وارد عمل می‌گردند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، این افراد خواص جامعه می‌باشند، که قبل از مردم عادی، موقعیت‌های سیاسی - اجتماعی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تلاش می‌کنند با فعالیت‌های به‌موقع خود، تحولات اجتماعی و سیاسی را به نفع خواسته‌های خود تغییر دهند، و برای دستیابی به اهداف خود، معمولاً دیگران را تحت تأثیر قرار داده و آنان را با خواسته‌های خود همگام می‌نمایند. در حالی که گروه دوم؛ یعنی مشارکت‌کنندگان پیرو و تابع، کسانی هستند که هیچ‌گاه به صورت فعال در مسائل سیاسی و اجتماعی شرکت نمی‌کنند. آنان معمولاً با عضویت انفعالی در سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و شبه‌سیاسی یا مشارکت غیرفعال در بحث‌های سیاسی و اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی مانند راهپیمایی‌ها، انتخابات و مراسم رسمی و غیررسمی اجتماعی که نقش فرد در جمع خنثی می‌گردد، شرکت می‌کنند. این گروه به دلیل عدم آگاهی و شناخت جامع از جریان‌های سیاسی - اجتماعی، تلاش می‌کنند هیچ‌گاه موضع فعال و قاطعانه‌ای اتخاذ نمایند و خود را درگیر مباحث داغ سیاسی - اجتماعی نکنند.

با توجه به دسته‌بندی بالا و ارزیابی نمرات، میزان آگاهی و مشارکت سیاسی - اجتماعی خانواده‌های نظامی، می‌توان استنباط نمود که در شرایط حاضر، تمایل به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی بیشتر از آگاهی‌های آنان از مسائل

سیاسی - اجتماعی می‌باشد و درصد بالایی از این افراد به دلیل عدم آگاهی صحیح و کامل از مسائل سیاسی - اجتماعی، نمی‌توانند مشارکت فعال و تأثیرگذاری در جریان‌ات سیاسی - اجتماعی داشته باشند. این افراد معمولاً در قالب مشارکت عمومی و غیرفعال در مسائل سیاسی - اجتماعی شرکت می‌کنند، می‌توان با افزایش دانش و آگاهی‌های آنان، زمینه مشارکت فعالانه آنان در مسائل سیاسی - اجتماعی را فراهم نمود.

منابع

۱. بشیریه، حسین (۱۳۷۲)؛ *مشارکت سیاسی زنان*، مجموعه مقالات سمینار مشارکت اجتماعی زنان، تهران، امور اجتماعی استانداری تهران.
۲. بنی‌هاشم، میرقاسم (۱۳۷۷)؛ *بررسی کارایی ابزارهای مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۳. جلالی کندی، سهیلا (۱۳۷۹)؛ *مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه قرآن و حدیث*، پایان‌نامه دکترای علوم قرآنی، دانشکده علوم انسانی.
۴. حسنی، قاسم (۱۳۷۸)، *روش‌های افزایش مشارکت سیاسی اجتماعی دانشجویان*، پایان‌نامه دکترای مدیریت استراتژیک، تهران، دانشگاه تهران.
۵. راش، مایکل (۱۳۸۰)؛ *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، سمت.
۶. رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)؛ *مشارکت وسیله یا هدف، اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۱۰-۱۰۹.
۷. روزه، گی (۱۳۷۴)؛ *جامعه‌شناسی*، تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، تیان.
۸. سامونل، بان (۱۳۷۳)؛ *انگیزش در آموزش و پرورش*، ترجمه سیدعلی اصغر مسرور، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
۹. عظیمی، سیروس (۱۳۵۰)؛ *مباحث اساسی در روانشناسی (رفتارشناسی)*، تهران.
۱۰. قاسمی، وحید (۱۳۷۷)؛ *مشارکت سیاسی زنان (آگاهی‌های، نگرش‌ها، واقعیت‌ها، موانع و راهکارها)*، استانداری اصفهان، کمیسیون امور بانوان.
۱۱. قاضی طباطبایی، سید محمود (۱۳۷۴)، *مدل‌های ساختار کواربانس یا مدل*

- لیزرل در علوم اجتماعی، تبریز، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.
۱۲. قاضی طباطبایی، سید محمود (۱۳۷۷): *روش‌های لیزرل: تشریح ساختار و منطق زیربنایی روش‌های مدل‌های ساختار کواریانس*، تبریز، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشکده تبریز.
۱۳. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵): *بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی؛ بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی، نامه پژوهش، شماره یک*.
۱۴. نهضت زنان مسلمان (۱۳۶۱): *زن از دیدگاه امام خمینی*، تهران.
15. Alderfer P. Clayton (1998); *Organizational Behavior and Performance*.
16. Hergenhahn, B. R. (1993); *An Introduction to Theories of Learning*. Prentice-hall.
17. Johanson, Steven (1991); *Communication, and the Impact of Organization Culture*, DAL.
18. Weiss Man, Patricia (1987); *Employer Sponsored Child Care Servies: Employer Jap Satisfaction, Commitment to the Organization and Perceived Stress*, DAL.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی